

سیر تحوّل حماسه در شعر معاصر فارسی (از نیما تا روزگار ما)

آزاده حسین زاده^۱

علی سرور یعقوبی^۲

محمد رضا قاری^۳

چکیده

حماسه از انواع مهم ادبی و تأثیرگذار در ادبیات ملت هاست که منحصر به دوره کهن نیست بلکه در اشعار شاعران دوره معاصر نیز دیده می‌شود. این نوع ادبی با تحولات و دگرگونی‌های بسیاری روبه‌رو بوده است و رابطه مستقیمی با وقایع سیاسی و اجتماعی و تحوّل در افکار و اندیشه‌ها دارد. از آنجایی که شاعر حماسه‌سرا در دوران معاصر در متن حوادث سیاسی و اجتماعی زمان خود قرار دارد سعی می‌نماید تا حماسه دوران خود را بسراید. او مبارزاتی که خود شاهد و ناظر آنها بوده و مقاومت‌ها و ایستادگی‌هایی را که در مقابل استبدادها داشته تبدیل به حماسه می‌کند بنابراین این پژوهش در پاسخ به این پرسش نگاشته شده است که سیر تحوّل حماسه در شعر معاصر یعنی از زمان نیما یوشیج تا روزگار ما چگونه است؟ برای رسیدن به این منظور، مبحث حماسه از لحاظ محتوایی در شعر ده شاعر از نیما تا زمان حال به عنوان برجسته‌ترین نمایندگان شعر نیمایی، نو نیمایی، سپید، چریکی، شعر مثنوی و انقلاب بررسی و تحلیل شده است. این نوشتار به روش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نتایج حاصل نشان داده است که تحولات حماسه به موازات جریان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی دستخوش تغییرات و دگرگونی‌ها می‌شود.

کلید واژه‌ها: حماسه، شعر حماسی، شاعران معاصر، اوضاع سیاسی، تحولات اجتماعی.

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک - ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک - ایران. (نویسنده مسؤول)

a_yaghoobi@iau_arak.ac.ir

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک - ایران.

مقدمه

دربارهٔ حماسه و اهمیت آن در گسترهٔ زبان و ادب فارسی سخن بسیار گفته شده است. «حماسه قدیمی‌ترین نوع ادبی است و زمان سرایش آن را به آغاز تکوین تمدن ملّت‌ها و جوامع منسوب می‌دانند. زمانی که گویا زبان «شمشیر» مهم‌ترین ابزار در روابط میان ملّت‌ها بود و آنان برای نگهبانی از دستاوردهای خویش چاره‌ای جز جنگ با دشمنان نداشتند.» (صفا، ۱۳۷۴: ۳۰). حماسه در شعر کهن نوعی از اشعار وصفی است که بر محور موضوعی جدی و رزمی و سبکی فاخر سروده شده است؛ هر حماسه باید دارای چهار زمینهٔ داستانی، قهرمانی، ملی و خرق عادت باشد. «اصولاً حماسه‌های اولیه و طبیعی از ادواری سخن می‌گویند که گویا جنگ، پدیده‌ای طبیعی در پدیداری و پایداری ملّت‌ها بود. چنان‌که حماسه‌های طبیعی همچون ایلید، اُدیسه، رامایانا، مهابهاراتا، شاهنامه و گرشاسب‌نامه مشحون از ذکر جنگ‌ها و پهلوانی‌ها و جانفشانی‌ها و فداکاری‌هایی است که با جنگ درآمیخته‌اند.» (مختاری، ۱۳۶۸: ۲۱-۲۸؛ نقل از زارع و رضوی، ۱۳۹۰: ۱۶۵)، اما حماسه در شعر نو بدون در نظر گرفتن قالب بر بستر جریان‌های سیاسی-اجتماعی و تاریخی قرار می‌گیرد. شاعر معاصر چون در متن حوادث زمان خود قرار می‌گیرد و ناظر بر ستم‌پیشگان است می‌کوشد تا حماسه زمان خود را بسراید. شعر نو حماسی دیگر از تخیلات فردی و احساسی بر نمی‌خیزد بلکه به مردم و اجتماع متمایل می‌شود و حماسهٔ انسان‌های مظلوم زمان خود را در برابر بیگانگان و ستمگران می‌سراید بنابراین روح حماسی که در ادب کهن در اشعار شعری چون فردوسی دیده می‌شود در دورهٔ معاصر در اشعار نیمایی جلوه‌گر می‌شود.

بیان مسأله

در این نوشتار سعی بر آن است تا به بررسی سیر تحول حماسه در شعر معاصر پرداخته شود زیرا حماسه در شعر نو، بر بستر جریان‌های سیاسی-اجتماعی و تاریخی قرار می‌گیرد. نگارنده می‌کوشد به نقد و بررسی شعر شاعران و تحلیل جنبه‌های حماسه و بررسی و کارکرد عناصر آن در ادب معاصر بپردازد و در پی آن است که تحلیلی از مفهوم حماسه در دوران معاصر و درک نوینی از ادبیات به عنوان یک سلاح مبارزاتی ارائه دهد و نقش شاعران و نمودهای حماسه در آثار و اشعار شاعران دوران معاصر و دگرگونی در نگرش شاعران نسبت به ماهیت و

کارکرد شعر را مشخص نماید و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: سیر تحول حماسه در شعر معاصر چگونه است؟ مفهوم حماسه چه نمودی در شعر نیما و پروان او و نیز در شعر دوره دفاع مقدس داشته است؟ دگرگونی‌های تاریخی - اجتماعی چه تأثیری در نگرش و طرز تلقی شاعران از حماسه داشته است؟ این میسر نیست مگر با بررسی اشعار حماسی شاعران معاصر. در این پژوهش پس از بررسی حماسه در شعر شاعران معاصر از سال ۱۳۰۴ یعنی آغاز سلطنت رضا شاه تاکنون نمودهای حماسی ده شاعر؛ یعنی نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، حمید مصدق، علی موسوی گرمارودی، مهرداد اوستا، شفیعی کدکنی، جعفر کوش‌آبادی، طاهره صفارزاده و علیرضا قزوه به عنوان برجسته‌ترین نمایندگان شعر نیمایی، سپید، نونیمایی، چریکی، شعر منشور و انقلاب، تحلیل شده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

بررسی و مطالعه سیر حماسه و نمودهای حماسی در شعر معاصر ایران می‌تواند اهمیت ویژه‌ای داشته باشد؛ زیرا علاوه بر روشن ساختن زوایای پنهان شعر حماسی معاصر ایران و به دست دادن شناختی دقیق و تازه از آن می‌تواند چگونگی و سیر تطوّر مفاهیم حماسی را در دوره معاصر توضیح دهد. از این گذشته می‌تواند چشم‌اندازی درست از پژواک‌های هنرمندانه تحولات تاریخی و اجتماعی در شعر معاصر فارسی را به نسل نو ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌های انجام شده در زمینه حماسه، این نوع ادبی را در مقطع کوتاهی از زمان و یا تعداد بسیار محدودی از شاعران بررسی نموده‌اند مانند: مقاله «حماسه در شعر نواز نیما تا انقلاب اسلامی» (۱۳۸۳) به قلم ملا حاجی آقایی. در این پژوهش کوتاه و مختصر شعر حماسی نو تا انقلاب در سه دوره بررسی شده است. زارع و رضوی در «کارکرد حماسه در دوران معاصر» (۱۳۹۰)، با بیان کارکردهای رزمی و غیر رزمی حماسه در دوران معاصر، نشان دادند ضروری است که انسان در دوران معاصر نیز حماسه بیافریند. طغیانی و درمیانی در مقاله «مقایسه عناصر حماسی کهن با عناصر حماسی شعر دفاع مقدس» (۱۳۹۴)، پس از بررسی عناصر حماسی کهن و دفاع

مقدّس به این نتیجه رسیدند که اگرچه بین این دو نوع حماسی مؤلفه‌های مشترکی وجود دارد اما مؤلفه‌ها در ادبیات دفاع مقدّس شکل دیگری به خود گرفته‌اند. امینی و رحیمی‌نژاد (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی جنبه‌های نوین حماسی در شعر نیما یوشیج»، جنبه‌های مختلف دگرگونی مفهوم حماسه را در شعر نیما بررسی نمودند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بارویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای نوشته شده است. داده‌های آن را اشعار حماسی ده شاعر معاصر یعنی نیما یوشیج، شاملو، اخوان ثالث، مصدق، موسوی گرمارودی، اوستا، شفیعی کدکنی، کوش‌آبادی، صفّارزاده و قزوه تشکیل می‌دهند.

بحث و بررسی

این پژوهش سیر تحولات حماسه در شعر، از نیما تا روزگار معاصر را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به این که رابطه ادبیات و شرایط اجتماعی از نوع تأثیر و تأثر متقابل است در پیدایش و جهت‌گیری جریان‌های حماسی باید گفت شرایط سیاسی و اجتماعی دو عامل از عوامل تأثیرگذار و مهم بر شعر است. از آنجایی که موضوع این پژوهش مربوط به دوره پسین زندگی نیما است در ابتدا در حدی که لازم بوده شرایط محیطی خلق اشعار حماسی بیان می‌گردد و سپس مهم‌ترین شاعران حماسه‌سرای آن دوره، معرفی و حماسه در اشعارشان بررسی می‌شود.

۱- دوره اول از ۱۳۰۴ آغاز سلطنت رضا شاه تا شهریور ۱۳۲۰ (روی کار آمدن پهلوی دوم) محمدجعفر یاحقی درباره آغاز تقسیم‌بندی‌ها از سال ۱۳۰۴ ش می‌گوید: «این سال را از آن رو سرآغاز این دوره به حساب می‌آوریم که در این سال با تصویب مجلس مؤسسان، سلطنت از قاجار به پهلوی منتقل گردید و رضاخان سردار سپه که نخست وزیر بود رسماً به عنوان نخستین شاه پهلوی از این تاریخ تا شهریور ماه ۱۳۲۰ سلطنت کرد.» (یاحقی، ۱۳۸۸: ۵). در این دوره حکومت پهلوی دوم روی کار می‌آید و کشور با دیکتاتوری محض اداره می‌شود. جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود. متفقین ایران را از شمال، جنوب و غرب مورد تهاجم قرار می‌دهند و فشار آنان

موجب کناره‌گیری شاه از قدرت و به سلطنت رسیدن محمدرضا می‌شود. با استعفای رضاشاه و خروج وی از ایران جوّ اختناق و خفقانی که به وجود آمده بود تا حدّی از بین می‌رود و زندانیان سیاسی و تبعیدی‌ها آزاد و دوره‌نوینی از آزادی‌ها آغاز می‌شود.

۱ ۴ - نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

اولین شاعر حماسه‌سرا در حیطة زمانی مورد بحث، نیما یوشیج نماینده برجسته شعر نیمایی است. در جوهر شعر و در زبان نیما می‌توان روح و مضامین رویکرد حماسی را مشاهده کرد. نیما یوشیج بر خلاف جریان غالب زمانه خود، نگاهی دیگرگونه به مقوله حماسه دارد. از نظر او جنگ و حماسه آفرینی تنها هنگامی موجه است که به رنج مردم پایان دهد. در بوطیقای شعر نیما یوشیج وظیفه شاعر آن است که بتواند به جای تک تک افراد و حتّی اشیا بنشیند و از زبان آن‌ها سخن بگوید. نگاه تازه حماسی نیما و توجهی که او به رنج مردم فقیر دارد مطمئناً همچنان که متأثر از نظریه ادبی اوست با فضای فکری و فرهنگی آن روزگار نیز ارتباط دارد که به دلایل متعدد اساساً به نوعی رئالیسم اجتماعی فزاینده گرایش می‌یافت. از سوی دیگر توجه به بازتاب رنج‌های مردم نیز با اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی دورانی که متقارن با جوانی نیماست پیوند دارد. نیما در جوانی قیام جنگل را که برخی از نزدیکانش در آن شرکت داشتند، دیده و حتّی قصد پیوستن به آن‌ها را داشته است. در اغلب اشعار وی، روحیه آزادی خواهی و معترض به فقر و حق‌کشی و بیدادگری حضور دارد. شعرهای سیاسی - اجتماعی نیما به تبع اوضاع سیاسی زمانه، صریح و یا نمادگراست. در برخی شعرها به صراحت و بی‌پروا از جامعه مبتنی بر ظلم و استثمار انتقاد می‌کند. نیما در قطعه‌های «بشارت» (۱۳۰۵)، «قلب قوی» و «شهید گمنام» با لحنی حماسی ستم‌دیدگان را به بیداری و قیام فرا می‌خواند. در دوران اختناق رضا شاهی، لحن سمبلیک جایگزین شعرهای بی‌پروا می‌شود نمادهایی چون ناقوس، صبح، شب و... در شعر او محوری اساسی محسوب می‌شود. ویژگی عمده شعرهای سیاسی - اجتماعی نیما تلخ اندیشی است که به خوبی اختناق و عمق آن را نشان می‌دهد و امیدی به پیروزی و رهایی نیست. در شعر «مهتاب» نومیدی و یأس موج می‌زند. نیما «ققنوس» را از دل اسطوره‌ها و باورهای ملی گرفته و با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های معنایی این واژه، آن را رمز و نمادی برای بیان اندیشه‌ها و تخیلات خویش ساخته

است.» (حسین پور چافی، ۱۳۸۴: ۳۴۳). «از سال ۱۳۳۲ (سال کودتا) تا سال ۱۳۳۸ (سال درگذشت نیما) به اشعاری بر می‌خوریم که در همه آن‌ها جامعه‌گرایی و رمزگرایی به عنوان دو ویژگی اساسی، همواره حضور دارد. «دل فولادم» از این نمونه است. نیما در شعر «شب‌پره ساحل نزدیک» از شب‌پره‌ای سخن می‌گوید که به امید رسیدن به روشنایی، خود را بر شیشه‌ی اتاق شاعر می‌کوبد. این شب تاریک در شعر بعدی نیما «هست شب» بسیار مهیب‌تر و هولناک‌تر چهره نشان می‌دهد (همان، ۲۳۶). شعر برف (۱۳۴۴) اوضاع تیره و تار و سیاه آن سال‌ها را به تصویر می‌کشد و فضای تیره و تار زمانه‌ی شاعر را تداعی می‌کند.» (نیما یوشیج، ۱۳۷۵: ۵۱۳). در شعرهای «سیولیشه» (۱۳۳۵) و «پاس‌ها از شب تیره گذشته است» (۱۳۳۶) باز همین فضای تیره و تار حاکم بر اجتماع را شاهد هستیم. مرغ آمین (۱۳۳۰) را می‌توان نمود شاعرانه‌ی رویکرد نهایی نیما به امور سیاسی - اجتماعی زمان خود، پس از تجربه‌ی یک دوره‌ی پیکار و انقلاب و سرخوردگی و انزوای دراز مدت او در سال‌های بین ۱۳۰۶ تا اوایل دهه‌ی بیست دانست. این «شعر بلند روایی و بلندترین شعر سمبولیک نیماست که صبح انقلاب را نوید می‌دهد.» (ملاحاجی آقایی، ۱۳۸۳: ۱۲). در آن دسته از اشعار نیما که دارای صبغه‌ی حماسی هستند می‌توان دید که او با وجود علاقه‌مندی به روایات حماسی کهن و نیز توجه به پیکارهای اسطوره‌ساز ملل مختلف نه تنها در شعرهایش به حماسه‌های ملی ایران نمی‌پردازد بلکه در اندیشه‌ی نیما تعریض تازه از حماسه و قهرمانان حماسی پدید آمده که آشکارا تأثیر اندیشه و ادبیات عصر نوین جهان را می‌توان در آن دید که تجربیات زندگی شخصی و اجتماعی شاعر نیز بر عمق این تأثیر افزوده است.

۱-۲- احمد شاملو (ابامداد)

احمد شاملو از شاعران شاخص شعر سپید است. «شاعری که حماسه از مشخصه‌های بارز شعر اوست.» (مختاری، ۱۳۷۸: ۲۷۱). شاملو در احیاء حماسه‌ی ملی و شاهنامه و مضامین آن سهمی بسزا داشت؛ او در منظومه «قصه‌ی دختران ننه دریا» از رستم که به نظر او مظهر مردانگی و شجاعت است یاد کرده و دریغ خود را از اضمحلال شوکت ایران باستان اظهار داشته است (شاملو، ۱۳۸۰: ۳۹۹-۴۰۸). شاملو حتی با مرگ نیز برخوردی حماسی دارد. او مرگ را نهایت مسیری می‌داند که با عشق، حماسه و مبارزه و تقدیر گره خورده است. مرگ در بیشتر اشعار شاملو رمزی برای

زندگی است و در مواردی، رمزی برای دوری جستن از نامهربانی‌های مردمان جامعه‌اش می‌باشد و در پایان، مرگ را نهایت مسیری می‌داند که با عشق، مبارزه و حماسه در ارتباط است. وی در دفتر «باغ آینه» در شعر «کیفر» جامعه خود را زندانی تصویر می‌کند که در آن مجرمانی با جرم‌های مختلف در بندند و در شعر «ماهی» ترکیب موزونی از تغزل و حماسه می‌آورد تا عشق حماسی خود را بسراید. او در شعر کوتاه «طرح» تصویر زیبا و موجز از زمانه شب‌زده خود ترسیم می‌کند. در دفتر «آیدا در آینه» عمیق و صمیمی منشور حماسی تغزلی خود را با لحن پیامبرانه و اساطیری که متأثر از کتاب مقدس است بیان می‌کند. می‌توان گفت از شاخص‌ترین شاعران حماسه‌سرای شعر چریکی «احمد شاملو» است که از ستایش انسان کلی و ذهنی دوره پیشین رها می‌شود و به انسان عینی مبارز زمان خود می‌رسد و با تلفیق زیبایی از اسطوره، حماسه، تاریخ، سیاست و غنا، شعر ویژه خود را به نمایش می‌گذارد. دفتر شبانه‌های شاملو حکایت همیشگی تاریخ استبداد است و دفتر «ابراهیم در آتش» تابلویی از حماسه‌ها و ستایش حماسی مبارزان زمان است با آغازی درخشان در فضا سازی داستانی و بهره‌گیری از عنصر روایت. شاملو در دفتر «دشنه در دیس» نیز مردان مبارز زمان را می‌ستاید. او در بسیاری از اشعار به ظاهر عاشقانه، بویژه در مجموعه‌های «آیدا در آینه» و «آیدا: درخت و خنجر و خاطره» در حقیقت اشعاری اجتماعی و سیاسی می‌سراید و در این اشعار است که «غزل» و «حماسه» به گونه‌ای لطیف با هم پیوند می‌یابند. شاملو شعر خود را «حماسه توفانی» و خود را «قلعه‌نشین حماسه‌های پر تکبر» می‌خواند. عشق به آزادی سبب می‌شود در سال‌های بعد حماسه «ترانه بزرگ‌ترین آرزو» را بسراید که در آن آزادی را فریاد زند. می‌توان گفت احمد شاملو از چهره‌های درخشان شعر حماسی عصر خود و شعر حماسی چریکی است. اشعار حماسی او با خشم و یأس آمیخته است. حماسه او با توجه به شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی عصر او سروده شده است. او منتقد اوضاع موجود در جامعه است و مشوق دفاع از ارزش‌های انسانی است. حماسه را حتی در عاشقانه‌های او نیز می‌توان دید. این شاعر انسان‌گرا و مبلغ مبارزه، حتی مرگ را هم با حماسه پیوند می‌زند.

۲- دوره دوم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ (کودتای ۲۸ مرداد)

اشغال ایران توسط انگلستان و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ ه.ش با از بین بردن استبداد حکومت شانزده ساله پر از ظلم و دیکتاتوری رضاخان به پایان رسید و همان کسانی که وی را به قدرت رسانده بودند با خواری و ذلت وی را از قدرت برکنار و پسر ناتوان و بی‌تجربه او محمدرضا در بیست و دو سالگی با حمایت قوای اشغالگر شوروی، انگلیس، آمریکا، و تلاش‌های تعدادی از دولتمردان درباری بر تخت نشست. تکیه رژیم بر قدرت‌های بیگانه بویژه انگلیس و آمریکا بود. حزب توده که تحت حمایت روسیه در ایران پایه‌گذاری شد غیر قانونی اعلام شد و سران آن دستگیر و به زندان افتادند. در این دوره، انتشار بسیاری از روزنامه‌ها متوقف شد. مهم‌ترین جریان این دوره، کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ است که در ذیل حماسه در شعر اخوان ثالث و حمید مصدق بررسی می‌شود.

۲-۱- مهدی اخوان ثالث (م. امید)

اخوان ثالث، روایتگر شکست نهضت ملی بود به طوری که پس از کودتای ۲۸ مرداد اشعار او تیره‌تر شد و از آن شور و حال اولیه افتاد و سرایشگر شکست و یأس شد. اخوان به حزب توده تمایل داشت همین موضوع سبب شد تا اخوان ثالث بعد از کودتای سال ۱۳۳۲ زندانی شود. «این کودتا و شکست آن و توبه نامه تحمیلی، چنان در روحیه اخوان جوان اثر می‌گذارد که امید و عشق را در درون او یکباره و یکسره به ناامیدی و نفرت تبدیل می‌کند تا آنجا که درونمایه اصلی و تفکر محوری مهم‌ترین و بهترین اشعار اخوان در دهه‌های سی چهل را همین یأس فکری و فلسفی و خشم و نفرت مفرط تشکیل می‌دهد.» (حسین پور چافی، ۱۳۸۴: ۲۴۱-۲۴۲). بسیاری از اشعار اخوان بیانگر شکست جنبش ملی و ناامیدی است که بعد از این شکست، گریبانگیر مبارزان و روشنفکران ایرانی در آن دوره شده است. این ناامیدی که با شعر زمستان از مجموعه «زمستان» آغاز می‌شود. اوضاع خفقان‌آمیز کشور را پس از کودتا به تصویر می‌کشد. نام شعر کنایه ای است از جامعه خفقان زده که در آن کسی را یارای نفس کشیدن نیست و سلام را پاسخ نمی‌گویند. او با استفاده از زبان نمادین، عدالت و آزادی را نشان می‌دهد، آنجا که می‌گوید: «و قندیل سپهر تنگ میدان، مرده یا زنده/ به تابوت ستبر ظلمت نه توی مرگ اندود، پنهان است» (اخوان ثالث، ۱۳۷۰:

۳۸). در شعر «آواز کرک» شاعر به کنجی پناه می‌برد تا بنده دم باشد زیرا لبخندها و سوگندها را دروغین می‌بیند. اخوان در شعر زیبای «داوری» مخالفت خود را از خیانتگران و سردمداران انقلاب نشان می‌دهد و وعده و وعیدهای آنان را دروغ و فریب می‌پندارد. در شعر «آخر شاهنامه» (۱۳۳۸) شاعر بر آن است که در آخر شاهنامه، انقلابات و تحولات تاریخی ایران را سخت ناخوش و محکوم به شکست می‌داند. در چنین شرایطی اخوان نغمه‌های نومیدانه توأم با نفرت خود را سر داده است. اوج شکفتگی شعری اخوان مربوط است به سال‌های پس از کودتا. سروده «مرد و مرکب» انتقادی از حماسه‌های دروغین است که سعی در فریب مردم دارند. «قصه شهر سنگستان» (روایت شهریاری است که کشورش مورد تهاجم قرار گرفته است و مردمانش همگی تبدیل به سنگ شده‌اند و شهریار با این که سال‌ها کوشیده تا طلسم را بشکند اما ناموفق مانده و امیدش را از دست داده است این اشارتی است به جامعه‌ای که شاعر در آن می‌زیسته است.) (درستی، ۱۳۸۱: ۲۱۸-۲۱۹). اخوان حقیقت حال جامعه، حکومت، رجال سیاسی، روشنفکران و مردم دهه سی را در شعر «نادر یا اسکندر» (۱۳۳۵) بیان می‌کند. کاربرد نماد از دیگر شیوه‌های اخوان ثالث برای بیان اوضاع متشنج جامعه است. در شعر «مرثیه» واژه باد، نماد طوفانی است که آشیانه‌های مردم را مورد هجوم قرار داده است. اخوان یکی از ستون‌های شعر حماسی معاصر است. البته شعرهای زیبایی که با لحن حماسی از ذهن خلاق شاعر سرچشمه گرفته بیان‌کننده ناامیدی‌ها و حماسه‌های شکست خورده است. شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در دوره‌های مختلف در اشعار اخوان تأثیر فراوان داشته است. وی با استفاده از داستان‌های اسطوره‌ای و اسطوره‌های حماسی و نماد، به بیان اوضاع و احوال روزگار خود پرداخته است. اخوان ثالث کوشیده است با بهره‌گیری از اسطوره‌های حماسی بطور نمادین حماسه زمان خود را بسراید.

۲-۲- حمید مصدق

حمید مصدق (۱۳۱۸ش) از شعرای حماسه سرای شعر نو نیمایی و سراینده حماسه معروف «درفش کاویانی» است. این منظومه، شرح قیام کاوه آهنگر علیه ستمگری‌های ضحاک تازی و ماردوش است که با مقدمه‌ای اشاره دارد به روزگار خفقان لبریز از ظلم ضحاک. «اسطوره ضحاک در این منظومه، نماد انسان‌های ظالم و پلید است که با ریختن خون مردم، قصد تباهی و نابودی

سرزمین ایران را دارد.» (مصدق، ۱۳۵۶: ۱۳-۱۴) در این شرایط مصدق کاوه را که اسطوره‌ی ملی ایران است وارد منظومه می‌نماید. کاوه با وجود این که از جان‌یاران بیمناک بود با سخنان حماسه‌آفرین شورانگیز خویش، مردم را علیه ضحاک ماردوش می‌شوراند. حمید مصدق «از شخصیت اسطوره‌ای «کاوه» برای ترسیم وضع جامعه و مردمش استفاده می‌کند. کاوه رمز «قیام و برخاستن» علیه ظلم ضحاک است که نماد اهریمن است...» (حسن‌زاده و حسینی کلبادی ۱۳۹۱: ۵۲). «تداوم جوّ اختناق و خفقان بر جامعه، سبب می‌شود که عدّه‌ای وطن را ترک کنند و عدّه‌ای از فعالیت‌های سیاسی کناره‌گیری کنند و در مقابل آنان نیز گروهی امیدوار به پیروزی به تلاش‌های خود ادامه دهند. با این وجود اکثر مردم و مبارزان سر در گریبان ناامیدی فرو بردند و سخنانشان بوی یأس و ناامیدی می‌داد.» (درستی، ۱۳۸۱: ۲۱۶). در این شرایط مصدق منظومه «در رهگذار باد» را می‌سراید و در آن از پدران خود یاد می‌کند که قبل از او به مبارزه برخاستند ولی نتیجه‌ای نگرفتند. در این سروده، شاعر خود را به مرغ آتشی تشبیه می‌کند که در درونش آتشفشانی است که باید او را بسوزاند تا پس از مردنش دوباره از خاکستر برخیزد اما حیف که آتشفشان درونش سرد و خاموش است. اما سال‌ها بعد مصدق در شعر «آبی، خاکستری، سیاه» که در سال ۱۳۴۴ سروده شد مردم را به اتحاد و مبارزه دعوت می‌کند. رهبران جنبش‌ها و نیز شهیدان از عوامل کلیدی در هر مبارزه‌ای هستند که نقش مهمی در پیروزی و یا شکست یک نهضت دارند و از سوی طرفداران مورد توجه نهضت قرار می‌گیرند. مصدق در مجموعه «از جدایی ۱ و ۲» به توصیف دلاوری‌ها و ایثار شهدا و مبارزان پرداخته است. او شاعری وطن‌سرا به شمار می‌رود که در اشعارش اسطوره‌های ملی بویژه حماسه‌های ملی فراوان دیده می‌شود. شاعر این اسطوره‌ها را با شعرهای اجتماعی پیوند زده و برای ترسیم وضع جامعه و مردمش استفاده می‌کند. بیشتر این اسطوره‌های حماسی و ملی با کارکردی رمزی با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شده‌اند. حماسه‌های وی به دلیل جوّ اختناق حاکم بر جامعه، بوی یأس و ناامیدی می‌دهد.

۳- دوره سوم از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ (قیام پانزده خرداد)

بعد از اشغال ایران توسط متفقین و نهضت ملی شدن نفت، سوّمین حادثه سیاسی که بر روند کار شاعران بویژه شاعران (اسلام‌گرا) تأثیر محسوس داشت قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود.

ستمگری های رژیم پهلوی با دخالت های بیگانگان مخصوصاً آمریکا به اوج خود رسیده بود. مجلس منحل شد و قانون اصلاحات ارضی به تصویب رسید که مورد مخالفت اکثریت مردم قرار گرفت. رژیم با صلاح دید آمریکا برخی از اصلاحات سطحی اجتماعی و اقتصادی را با عنوان «انقلاب سفید» به اجرا گذاشت که با مخالفت بیشتر مردم و رهبر آنان امام خمینی مواجه شد که قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به دنبال داشت و سبب تبعید امام شد. مردم نیز بیکار نشستند و دست به قیامی زدند که حاصل آن مطرح شدن مذهب به عنوان ایدئولوژی انقلاب و مبارزه بود. در این بخش حماسه در اشعار علی موسوی گرمارودی و مهرداد اوستا بررسی و تحلیل می شود.

۳-۱- علی موسوی گرمارودی

علی موسوی گرمارودی از شاعران حماسه سرای این دوره است. او «در دعوت به مبارزه سعی می کند تا نقاب از چهره جنایت ها و بیدادگری ها بردارد و تلاش می کند تا پوشالی بودن بنیادهای ظلم و ستم را نشان دهد. در اشعار او تنها با یک شاعر روبرو نیستیم بلکه با یک چهره انقلابی، سیاسی و مبارز مواجهیم؛ زیرا باعث شد تا حماسه تعهد و پایداری به معنای واقعی اش در شعر وارد شود و رنگ و هوای تازه ای به شعر ببخشد.» (رسول نیا و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۱۰۱). گرمارودی شعر «فصل مردن سرخ» را برای مبارزان و آزادی خواهان می سراید و آن ها را می ستاید. «در دوران معاصر و بخصوص دوران انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷) که در نهایت به پیروزی انقلاب منجر شد و همچنین در هشت سال دفاع مقدس همواره نگاه به عاشورا و آرمان های آن سرلوحه کار انقلابیون بود. گرمارودی از پیشتازان شعر مذهبی پیش از انقلاب است.» (کافی، ۱۳۸۶: ۶۳۹). در اشعار عاشورایی گرمارودی بیشتر به بُعد حماسی واقعه عاشورا نگریسته شده است. شعر «خط خون» وی از درخشان ترین نمونه های بیان حماسه عاشورا است که مضامین حماسی شگرف با بسامد بسیار بالا و استفاده از نمادهای حماسی مناسب از شاخصه های مهم آن است. این شاعر به علت مبارزات سیاسی با رژیم، چند بار زندان و شرایط سخت آن را تجربه کرد که بازتاب حماسه های این بخش زندگی او در اشعارش دیده می شود. نکته قابل توجه در سوگ سروده های گرمارودی آکنده از حماسه و فریاد آن است که هرچه به زمان شکوفایی انقلاب یا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ نزدیک تر می شویم عناصر حماسی و روح شجاعت و ظلم ستیزی و همچنین

تلمیحات مربوط به قهرمانان و پهلوانان اسطوره‌های ملی ایران برجسته‌تر و روشن‌تر می‌شود. مبارزه‌طلبی و میهن‌دوستی این شاعر در اشعار سیاسی بخصوص وطنی او بوضوح دیده می‌شود. آنچه در بیان وطن دوستی و مبارزه طلبی به کمک شاعر می‌آید لحن حماسی اوست که علی‌رغم همه سختی‌ها و مشقت‌های زندان‌ها و تبعیدها، امید خود را از دست نداده و دیگران را به امیدواری دعوت می‌کند. موسوی گرمارودی با احیای افسانه‌های شاهنامه، مبارزان را همچون رستم می‌داند و آن‌ها را به میدان کارزاری می‌فرستد که بی‌شک با پیروزی باز می‌گردند «پور سام نریمان و هم‌رهان اکنون/ درون ایران شهر/ دوباره زنده شدند/ از جنگ دیو سپید فسانه آسودند/ به رزم اهرمن این زمانه آمده‌اند/ و نام هر یکتان/ چنان چو آینه، تابنده ماند جاویدان/ که صبح طالع امید را در آن نگریم.» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۷). حاصل کلام این است که گرمارودی از شاعران موفّق دوره انقلاب و بخصوص دفاع مقدّس است که در بازتاب اوضاع جبهه‌های جنگ و ایجاد روحیّه مقاومت در رزمندگان نقش فراوانی داشته است. حماسه‌های او به دو دسته تقسیم می‌شود: اشعار حماسی محض و اشعار حماسی مذهبی که در این نوع غلبه بر حماسه عاشورایی است. او برای بیان عقاید خود از اسطوره هم بهره گرفته است که فضایی حماسی در اشعارش ایجاد نموده است. این حماسه‌ها در اشعار وطنی سوگ سروده‌ها و اشعار مبارزه‌طلبانه وی نیز به چشم می‌خورد.

۳-۲- مهرداد اوستا

محمدرضا رحمانی معروف به مهرداد اوستا شاعر و مؤلف معاصر ایرانی و سراینده منظومه معروف «حماسه آرش» از مشهورترین شاعران حماسی این دوره محسوب می‌شود. «حماسه آرش» از مهرداد اوستا از حماسه‌های منظوم قبل از انقلاب و شرح دلاوری‌های ساکنان قاره آسیا در طول تاریخ کهن، برای ایجاد صلح و دوستی و آزادگی است. این منظومه حماسی از لحاظ نوع ادبی به مداخل حماسی و حماسه‌های تاریخی نزدیک‌تر است. «امام حماسه‌ای دیگر» آخرین مجموعه شعری اوستاست که در زمان حیات وی روانه بازار شد.... در سال‌های پس از پیروزی انقلاب با رویکردی نوین و تازه، امام خمینی (ره) را در مقام سمبل و نماد حرکت اسلامی مردم ایران به درون شعرهای خود هدایت کرده و نقش محوری او را در توفان‌های پیش روی انقلاب به شعر

کشانده است.» (نورشمس، ۱۳۸۹: ۶۸). «شاعر در قصیده «حماسه گلرنگ» به یاد شهیدان انقلاب ناله سر می‌دهد و از ظلم ستمگران و نامردمی صدام و صدامیان سخن می‌گوید. مهرداد اوستا در قصیده‌ای با عنوان «شهیدستان آزادی» ضمن برشمردن مظالم سردمداران کفر جهانی و تبهکاری‌های صدام از حماسه شکوهمند شهیدان انقلاب و شهادت دولتمردان جمهوری اسلامی اندوهگین می‌شود و در «حماسه شهید» ضمن نکوهش کردار زشت نامردمان و بعثیان از اهمیت نهضت امام خمینی (ره) نغمه سر می‌دهد. او روحیه‌ای ظلم ستیز و مبارز داشت. شجاعت و جسارت این شاعر قابل توجه بود. در دوره‌ای که رژیم پهلوی به جنایتکارانی چون آمریکا وابسته بود و کشور غرق در اختناق و خفقان بود با سرودن «حماسه رزم» مبارزین ویتنامی را مخاطب قرار داد. اوستا شاعری متعهد و مسئول بود که دردهای بشر، دل او را به درد می‌آورد و از آن سخن می‌گفت. او از درد و آوارگی مردم فلسطین رنج می‌برد و با سرودن اشعاری آنان را به مبارزه دعوت می‌کرد. شعر آزاد و بلند «ای هر کجا آواره، ای آه» یکی از این سروده‌هاست.» (اوستا، ۱۳۷۰: ۵۶۵). از آنجایی که مهرداد اوستا شاعری مسلمان است انزجار و تنفر خویش را از ظلم، استبداد و استعمار نشان می‌دهد و به مبارزه با این بیداد و ستمگری‌ها می‌پردازد؛ از این رو اشعارش از حماسه خالی نیست. این ادیب مبارز، اشعار خود را در راه مبارزات سیاسی برای استقلال وطن سروده است و در حماسه‌های خود از نماد، ستایش از شخصیت سیاسی-مذهبی، یاد شهیدان بهره گرفته است و اندیشه‌ها و دغدغه‌های خویش در زمینه‌های فلسفی، اجتماعی و ادبی را در قالب حماسه به تصویر کشیده است.

۴- دوره چهارم از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ (چریک و حادثه سیاهکل)

در این دوره حادثه چریک‌ها و سیاهکل به وقوع می‌پیوندد و تأثیر مهمی بر ادبیات منظوم اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه به جای می‌گذارد. شعر چریکی از جریان‌های شعری معترض و اثر گذار در عرصه ادبیات معاصر و شعری است «صریح، خشن و آکنده از کلماتی چون خون و تفنگ و ستاره و زندان...» (لنگرودی، ۱۳۸۴: ج ۳/۵۱۱) و شعر سیاهکل شاخه‌ای از شعر چریکی در ستایش از چریک‌های جنگل بود که پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد عده زیادی به بی‌نتیجه

بودن تلاش‌های مصالحت‌آمیز و قانونی علیه حکومت پی بردند و تصمیم به مبارزه مسلحانه گرفتند و در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ به پاسگاه سیاهکل حمله کردند. درگیری‌های چریک‌ها و سیاهکلی‌ها با نیروهای رژیم برای مردم خصوصاً جوانان جاذبه زیادی ایجاد کرد و به آن‌ها پیوستند اما دستگیری و اعدام چریک‌ها، روحیه مبارزان را تضعیف کرد. پس از این حوادث، شاعران بسیاری به شرح واقعه و وصف قهرمانان و مبارزان آن واقعه پرداختند. شعر چریکی سیاهکل در بررسی تحول حماسه انقلاب و جنگ از آن رو حائز اهمیت است که بلافاصله به شعر انقلاب می‌رسد و بسیاری از شاعران شعر سیاهکل جزو شاعران دو سال نخست شعر انقلاب نیز محسوب می‌شوند. در این بخش، حماسه در اشعار شفيعی کدکنی به عنوان نماینده شعر چریکی و جعفر کوش‌آبادی به عنوان برجسته‌ترین شاعر شعر سیاهکل، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- شفيعی کدکنی (م. سرشک)

شفيعی کدکنی از شاعرانی است که «به دلیل گرایش به فرهنگ اسلامی-ایرانی و نیز به خاطر جسارتش در سرودن اشعار سیاسی و ضد استبدادی در دوران اختناق پهلوی بسیار مورد توجه مبارزان و روشنفکران قرار گرفت و مدتی جزو شاعران ممنوع القلم بود.» (حقوقی، ۱۳۷۷: ج ۲/ ۴۴۸). او از آن دسته شاعرانی است که حماسه‌ایثارها و از جان گذشتگی‌های مبارزان و شهدا را می‌سرود. کدکنی در سروده‌های حماسی «آن عاشقان شرز» «زندگی‌نامه شقایق‌ها» و «مرغان توفان» به فرهنگ شهادت، ایثار و جاودانه بودن خون شهیدان و ادامه راه آنان پرداخته است. «این شاعر عرصه حماسه معاصر به‌طور گسترده از نمادها در جهت بیان عقاید خویش و آگاهی مخاطب بهره برده است.» (رزمجو، ۱۳۸۱: ج ۱/ ۳۶۶) و در شعر «گفتگو» حماسه‌سازان عرصه عشق و شهادت را به شکیبایی و استقامت فرا خوانده است. «شاعر با زبانی حماسی، مبارزان را می‌ستاید و امید را زنده نگه می‌دارد و ضمن اعتراض به طرفداران «ادبیات و شعر تبعیت و تسلیم» با زبانی طنزآمیز از اوضاع خفقان‌آمیز ایران در آن سال‌ها شدیداً انتقاد کرده است.» (حسین‌پور چافی، ۱۳۸۴: ۲۷۴). او نیز مانند دیگر شاعران حوزه پایداری در اشعارش مردم جامعه خود را که در انتظار آزادی هستند در شعر خویش مطرح می‌کند و آنان را به مبارزه و ایستادگی فرا می‌خواند. ایستایی و خاموشی را نمی‌پذیرد و روحیه خشم و خروش، شور و حماسه را در دیگران

برمی‌انگیزد. این نشانه اجتماعی بودن شفیعی کدکنی و شناخت درست و کامل او از جامعه، دردها و مشکلات مردم است. شفیعی گاهی در اشعارش دچار یأس و ناامیدی می‌شود؛ ولی پویایی فکری، شاعر را به سوی امید و ایمان می‌رساند و با استفاده از زبان مهیج و حماسی، شور پایداری و مقاومت را به مبارزان راه آزادی بر می‌گرداند و به آنان نیرو و توان ایستادگی و مقاومت در برابر مزدوران زمان می‌بخشد که این نشان‌دهنده روحیه مبارزه‌جویی شفیعی کدکنی در برابر ظلم و ستم و استبداد داخل کشور است که نمونه آن را در شعر با مطلع «نفسم گرفت از این شب، در این حصار بشکن» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۳۴) می‌توان مشاهده کرد. شفیعی از شاعران چریکی و حماسه‌سرا در عرصه ادبیات معاصر است که با استفاده از نوع ادبی حماسه جو انقلابی و اوضاع خفقان‌آمیز ایران را در آن دوران بازگو نموده است و با سروده‌های خود، مردم جامعه خود را که در انتظار آزادی هستند در شعر خویش مطرح می‌کند و آنان را به مبارزه و ایستادگی فرا می‌خواند. آزادی، به تصویر کشیدن اوضاع متشنج اجتماعی و سیاسی، دعوت به مبارزه، شهادت، ایثار، پایداری، وطن دوستی و ... از مضامین پرکاربرد حماسه‌های اوست که شاعر در این راه از نمادها و شخصیت‌های اسطوره‌ای به طور گسترده استفاده می‌کند.

۴-۲- جعفر کوش‌آبادی

جعفر کوش‌آبادی از شاعران نسل دوم شعر نیمایی است. او در جامعه ایران و در میان مردم زندگی می‌کند و در این اوضاع نابسامان جامعه و فضای سرشار از ظلم و استبداد، نیاز مردم به قهرمانان را حس می‌کند؛ از این رو شعر «کوچک خان» را در سال ۱۳۴۸ می‌سراید «این شعر نخستین شعر مستقل، درباره نهضت جنگل و جعفر کوش‌آبادی از نخستین منادیان شعر سیاهکل بود.» (لنگرودی، ۱۳۸۴: ۱۵/۳) شاعر، میرزا کوچک خان قهرمان حماسی مردم را وارد شعر می‌کند و در میان سردی و ظلمت حاکم بر جامعه تصمیم می‌گیرد حماسه خلق کند؛ بنابراین دست از آستین بیرون می‌آورد تا دست کوچک خان را بفشارد و با او حماسه خلق کند. در این سروده تاراج کشتی‌ها، کشتار سیاهان و انفجار بمب و نارنجک، روح پاک و لطیف شاعر را غمگین می‌سازد؛ اما او باور دارد که این رنج‌ها می‌گذرد. کوش‌آبادی مدتی در زندان و در زیر فشار سرنیزه مأموران سازمان امنیت و ساواک رنج می‌برد و در این شرایط احساس مسئولیت می‌کند؛ زیرا

می‌داند جامعه بیش از هر چیزی نیاز به آگاهی و بیداری دارد. شاعر وارد عمل می‌شود و با استفاده از قهرمان ملی مردم ایران و حماسه ساز جنگل‌های مازندران؛ یعنی کوچک خان با استبداد زمان مبارزه کرد، حرف‌هایش را به مخاطبان زد و وظیفه‌اش را انجام داد. او در شعر «صلح و جنگ» از مجموعه «در آینه» خشونت جنگ را به تصویر می‌کشد. جنگی که در آن زورگویان و مستبدان بر انسان‌ها مسلط می‌شوند و زندگی مردم پر از کینه و نفرت می‌شود با وجود این او به صلح می‌اندیشد (کوش‌آبادی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۶) و از اینجاست که روح حماسی شاعر به حرکت در می‌آید و حماسه را وارد شعر می‌کند. آری، جعفر کوش‌آبادی شاعر حماسه‌مردمی است. او در میان توده مردم زندگی کرده اوضاع نابسامان و ظلم و استبداد حاکم بر جامعه را دیده و دردها و رنج‌های مردم را درک کرده است؛ بنابراین تلاش نموده تا با اشعارش حماسه بیافریند و اسطوره‌ها و پهلوانانی خلق کند و به کمک آنان روح مبارزه‌طلبی را در مردم بیدار کند. و در این راه تا آنجا پیش می‌رود که توسط مأموران رژیم، دستگیر و زندانی و شکنجه می‌شود. از آنجایی که این شاعر از مبدعان شعر سیاهکل است در سروده‌های خویش قهرمان حماسه ساز جنگل را برای بیداری و آگاهی مردم به یاری می‌طلبد.

۵- دوره پنجم از ۱۳۵۷ تاکنون (دوران معاصر)

۵-۱- از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ (دوره انقلاب و دفاع مقدس)

انقلاب اسلامی ایران با افول ستاره حکومت ستم‌شاهی به وقوع پیوست. در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ش با احیای ارزش‌های اسلامی تولدی دیگر در فرهنگ ادب و حیات معنوی کشورمان پیش آمد. این واقعه از حوادث بزرگ در تاریخ ایران به شمار می‌رود. در اربعین ۱۳۵۷ بختیار در مقابل هجوم یکپارچه مردم تسلیم شد و فرودگاه مهرآباد آماده بازگشت امام خمینی (ره) شد. در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ امام به وطن آمد و در ۲۲ بهمن انقلاب و رژیم پهلوی سرنگون شد. این انقلاب از بزرگ‌ترین حوادث قرن به شمار می‌رود. ادبیاتی که پس از آن بوجود آمد با عنوان ادبیات انقلاب معرفی شد. شعر انقلاب، شعری مردمی است که پس از انقلاب، همراه با مردم گام برداشت و به نوعی تاریخ انقلاب را به تصویر کشید. از دیگر جریان‌های سیاسی مهم و تأثیرگذار بر حوزه ادبیات و شعر، جنگ تحمیلی ایران و عراق بود. دوران هشت ساله دفاع مقدس از جمله ارزشمندترین

دوره‌های ادبی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. در حقیقت آنچه به عنوان ادبیات مقاومت از آن یاد می‌کنیم به شکوفایی استعداد‌های بسیاری منجر شده که حاصل آن را می‌توان در آثار ادبی موفق این دوره چه نثر و چه نظم به خوبی مشاهده کرد. در این بخش حماسه در اشعار طاهره صفارزاده که نماینده شعر منثور و شعر انقلاب و دفاع مقدس است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱- طاهره صفارزاده

طاهره صفارزاده (۱۳۱۵ش) از شاعران برجسته‌ای است که سروده‌هایش نشانگر روحیه حماسی و پایداری است. صفارزاده با اشعار خود نظریه «شعر طنین ۱» را که از گونه‌های شعر مقاومت با درونمایه‌ای دینی در قالبی جدید به شمار می‌رود و زبان و سبکی تازه از شعر است به جامعه ادبی کشور معرفی کرد. نظریه‌ای که هم مایه بحث‌های ادبی و محدودیت‌های سیاسی برای او قبل از انقلاب اسلامی بوده و هم بر اندیشه و نگرش شاعران دوران پس از انقلاب تأثیر داشته است. شاعر در شعر بلند «سفر بیداران» از مبارزه خود با ناحق سخن می‌گوید و از قیام سربداران یاد می‌کند و از ملت ایران و نهایت ایمانشان سخن گفته آنان را به مشایعت فرا می‌خواند. شعر «سالار صبر» در بیان مصائب و سختی‌های حضرت زینب (س) سروده شده است. در سال‌های پایانی شکل‌گیری نهضت انقلاب اسلامی شاعران بسیاری به سرودن اشعار انقلابی روی آوردند. صفارزاده از جمله شاعرانی بود که در متن انقلاب اسلامی حضور داشت و مسائل ارزشی مردمی را که بیشتر آن‌ها حماسی، عرفانی و دینی بود بیش از همه مورد توجه قرار داد و با الهام از دستاوردهای انقلاب اسلامی به سرودن این گونه اشعار پرداخت. او در سرودن اشعار انقلابی بیشتر از آیات قرآنی بهره گرفته و به بیان آزادی، بیداری، محکوم ساختن استبداد، حق و باطل و... می‌پردازد. او در شعر «بازسازان» با زبانی حماسی مردم را به ادامه مبارزه و پایداری دعوت می‌کند. «وی در اشعار خود امام خمینی را معلم بیداری، روح ضد خواب و پیشتاز دانسته و نوع نگاهش حماسی است. شعر «معلم بیداری» زمانی سروده شده است که هنوز امام (ره) به میهن بازنگشته بود و شاعر با تعبیر خود از «رهبر نبرد رهایی» و «مهربان معلم بیداری» می‌خواهد که برای رهایی مردم در بند، به وطن باز گردد و خفقان رژیم طاغوت را براندازد چنان که می‌بینیم صبغه حماسی دارد.» (مدرسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷۶). این بانوی شاعر در زمینه دفاع مقدس، جبهه، جنگ،

شهادت و مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و ستم اشعار بسیاری از خود به یادگار نهاده است. از آنجا که صفارزاده شاعری متعهد است مبارزه با استعمار را از مهم‌ترین اندیشه‌های شعری خود قرار می‌دهد. امید و خوش‌بینی به آینده از جمله مؤلفه‌هایی است که آن را به وضوح می‌توان در اشعار صفارزاده دنبال کرد. با توجه به بحث می‌توان مدعی شد صفارزاده از شاعران برجسته معاصر و سراینده اشعار مقاومت و حماسه‌های پایداری است. اشعار حماسی او دو دوره کاملاً متفاوتی را تجربه نموده است. در دوره اول با انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی و با سرودن اشعاری نیشدار و کنایی: «همه جمعند/ و دست‌های ناشسته/ همراه خامه‌ای‌ها/ همراه میوه‌ها/ در کام‌ها فروود می‌آیند/ نگاه‌های خیره‌شده بر تصویر/ نگاه ناظران دلشده/ با حسرت می‌گویند/ به به چه میوه‌هایی/ به به چه شیرینی‌هایی» (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۲۰۰) و در دوره دوم به صورت مستقیم و آشکار به مدح و ستایش پرداخته است. صفارزاده نوعی شگفت از شعر حماسی را سروده و با انتقاد و طنز تلخ و نیشدار به سرودن شعر حماسی و ترغیب مخاطب به درک اوضاع نامساعد جامعه نموده است.

۵-۲- از سال ۱۳۶۸ تاکنون (دوره بعد از دفاع مقدس)

ایران در تیرماه ۱۳۶۷ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفت و بدین گونه جنگ هشت ساله پایان یافت. از آن پس کشور ما وارد مرحله‌ای تازه شد. مهم‌ترین حادثه این دوران وفات امام خمینی (ره) بود. رحلت امام و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران پس از جنگ سبب ایجاد شکاف‌هایی میان قشرهای مختلف جامعه شد که بر روند کار شاعران تأثیر محسوسی داشت. حماسه‌های این زمان حماسه اعتراض و دلتنگی است که با فاصله گرفتن از زمان جنگ این دلتنگی بیشتر می‌شود و فراموش شدن ارزش‌ها و ایثارها و شهادت‌ها مطرح می‌شود. در سال‌های پس از جنگ، موجی از شکوه و اعتراض و هشدار همراه با دغدغه‌های فراموشی ارزش‌ها و ایثارها و شهادت‌ها پدید می‌آید. دیدگاه غالب در این نوع اشعار انتقاد از اوضاع فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زمانه بعد از جنگ است. در مقابل این نوع طرز تفکر از سال‌های ۱۳۷۲ به بعد اشعاری سروده می‌شود که در آن شاعران معتقدند که ارزش‌ها از دست

نرفته و ضد ارزش‌ها جایگاهی نیافته‌اند. در این مجال حماسه در شعر علیرضا قزوه که نماینده دوره بعد از دفاع مقدس است بررسی می‌شود.

۵-۲-۱- علیرضا قزوه

علیرضا قزوه (۱۳۴۲ش) از زمان‌های کودکی هجوم دشمنان و تجاوز مستکبران به کشورهای اسلامی از جمله فلسطین را مشاهده کرده و نیز در دوران جوانی شاهد جنگ تحمیلی به وطنش بوده است و از همین روست که مبارزه و فداکاری در راه وطن و دین بخشی از وجود او می‌شود. او به عنوان یک انسان آزادی‌خواه نمی‌تواند ستم و سلطه ظالمان و استعمارگران را نظاره‌گر شود. از این رو در آثار خود خلق را به مبارزه با ستم و بیداد فرا می‌خواند. او گاه از وجود موجود خود و جامعه خود راضی نیست؛ اما چون یک‌تنه قادر به تغییر وضع موجود نیست از درد سخن می‌گوید تا مردم بیدار شوند. او پس از بیان وجود درد در جامعه برادرانش را به مبارزه تشویق می‌کند. او با تمام وجود سخن خود را به رشته تحریر درمی‌آورد و در شعری که برای بچه‌های رئیس علی دلواری (دلیر تنگستان) نوشته است خواست قلبی ایشان از آزادی و مقاومت در برابر دشمنان دین و ناموس و وطن جلوه‌گر است (قزوه، ۱۳۸۴: ۷۴). اندیشه مقاومت در آثار قزوه فراتر از محدوده زمانی و مکانی خویش است. او با مشاهده ظلم و استبداد در کشورهایی دیگر به کمک آنان می‌شتابد و با واژگان و سروده‌های خویش، آنان را یاری می‌دهد. او در سروده‌ای با نام «از یک دادگاه رسمی» به دفاع از مردم ستمدیده فلسطین می‌پردازد. در این سروده حماسی، قزوه مرزهای کشور ایران را در می‌نوردد و یاریگر حماسه‌سازان در جبهه مقاومت و نیز مردم رنج‌دیده فلسطین نیز هست. شاعر در کتاب «با کاروان نیزه» بارها علاقه و عشقش را به امام سوم شیعیان و شهدای کربلا ابراز داشته و حماسه آنان را ستوده است. علیرضا قزوه از شاعران معترض دفاع مقدس به شمار می‌آید. اعتراض او بیشتر در سروده‌هایی است که مضمون آن‌ها دفاع مقدس است و این کار را برای جلوگیری از تحریفات و آشکار ساختن حقیقت حماسه انسان‌ساز عاشورا انجام می‌دهد؛ از این رو حماسه در اشعار علیرضا قزوه بیشتر به صورت قیام حسینی و حماسه عاشورا جلوه می‌کند. علیرضا قزوه در این باره می‌نویسد: «این سال‌های آخر شعرهایی اینجا و آنجا از برخی مداحان آشنا و ناآشنا می‌شنویم که بیش از آن که دل بارانی کند

داعیه خودنمایی دارد حال آن که اصل در کربلا گم شدن است و به اصل خویش رسیدن. همین انگیزه‌ای شد تا این اشعار را در دفتری فراهم آورم و هدیه‌اش کنم به مداحان سوخته دل آل الله بخصوص به آنان که لحن عاشورایی تکلم می‌کنند و حنجره‌شان وقف مظلومیت حسین و یاران است» (قزوه، ۱۳۹۰: ج: ۱۰). قزوه از جنگ بیزار است و آن را شوم می‌داند ولی دفاع از وطن در برابر حمله دشمن را امری ضروری می‌داند. شاعر با استفاده از عنصر حماسه روحیه مقاومت و سلحشوری را در مخاطبان بیدار می‌کند. دفاع مقدس، فرهنگ عاشورا، اعتراض و شهید و شهادت مهم‌ترین مضامین اشعار حماسی و پایداری قزوه است. او برای تحریک مخاطبان برای مبارزه و جنگ از شعر اعتراض استفاده می‌کند.

نتیجه‌گیری

حماسه یکی از انواع مهم ادبی است که حوادث سیاسی، تاریخی و اجتماعی در آن تأثیر می‌گذارد. به موازات این تحولات جریانات فکری نیز دستخوش تغییرات و دگرگونی‌ها می‌شود. در دوره اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰)، شاعران با شوق و امید به حوادث سیاسی توجه می‌کنند و همزمان با بازتاب تحولات سیاسی در اشعار خود همراه و در کنار مردم در مبارزات شرکت می‌کنند. روح حماسه را در اشعار نیما و شاملو به عنوان نماینده این دوره می‌توان دید. شاعران بر ستمگری‌ها اعتراض و انسان‌ها را در این فضای رعب آور و سرد به یاری دعوت می‌کنند از این رو می‌توان گفت حماسه در این دوران، حماسه امید است.

در دوره دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)، به علت شکست‌ها روحیه شکست‌خوردگی و ناامیدی بر جامعه حاکم می‌شود و مردم دل‌سرد می‌شوند. عشق و شور در شعر اخوان ثالث و حمید مصدق که نمایندگان شعر این دوره هستند به نفرت و ناامیدی مبدل می‌شود و تبدیل به انسان‌هایی منزوی و درونگرا می‌شوند. آنان از حماسه‌های دروغین و فریبنده که سعی دارند ملت را برای مدتی کوتاه امیدوار نگه دارند انتقاد می‌کنند و بازگشت مجدد شکوه و عظمت ایران را آرزومندند. حماسه این دوره، حماسه ناامیدی است.

در دوره سوم (۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲)، حماسه در شعر شاعران به سوی مذهب متمایل شد. شاعران مستقیماً رژیم را مورد انتقاد قرار دادند و مفاهیم مذهبی را در اشعار سیاسی به کار گرفتند. در این دوره بسیاری از شاعران به شعر نو حماسی روی آوردند. موسوی گرمارودی و مهرداد اوستا به عنوان نمایندگان این دوره به حماسه آفرینی تمایل بسیار نشان دادند و از حماسه مذهبی عاشورا نیز غافل نبودند. این شاعران از درد و رنج مردم در دیگر کشورها نیز رنج می‌بردند و با سروده‌های خویش با آنان همدردی و به قیام دعوت می‌کردند. می‌توان گفت حماسه در این برهه، حماسه ستیز است.

در دوره چهارم از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، حماسه در اشعار شاعران، حماسه اعتراض و حماسه مبارزه مسلحانه است. شاعران با وجود مخالفت‌های رژیم وضعیّت اختناق‌زده کشور را بیان می‌کردند. شفیعی کدکنی به عنوان نماینده شعر چریکی و جعفر کوش‌آبادی به عنوان برجسته‌ترین

شعر سیاه‌کل، اشعار بسیاری در این زمینه سرودند. آنان با استفاده از کاربرد اسطوره‌ها مردم را به قیام و مبارزه مسلحانه تحریک و تشویق می‌کردند.

در بخش نخست دوره پنجم از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، حماسه در ادبیات منظوم انقلاب و جنگ، حماسه‌ای مردمی است. این حماسه در دفاع مقدس به اوج می‌رسد. شاعران این دوران به توصیف رشادت‌های رزمندگان و جان‌فشانی‌های آنان می‌پردازند. رهبر انقلاب را ارج می‌نهند. طاهره صفارزاده نماینده شاعران این دوره به شمار می‌آید. نمادهای اسطوره‌ای و ملی نسبت به دوره‌های قبل کم‌رنگ‌تر می‌شود و جای خود را به حماسه کربلا و یاد شهیدان می‌دهد. حماسه در این زمان، حماسه انقلاب و جنگ است.

و در بخش دوم دوره پنجم؛ یعنی از سال ۱۳۶۸ به بعد حماسه‌ها، حماسه اعتراض و دلتنگی است که با فاصله گرفتن از زمان جنگ این دلتنگی بیشتر می‌شود و فراموش شدن ارزش‌ها و ایثارها و شهادت‌ها مطرح می‌شود. علیرضا قزوه شاعر منتخب این دوره است. تشبیه حماسه جنگ و دفاع مقدس به حماسه پرشور حسینی در عمده سروده‌های این شاعران دیده می‌شود. حماسه‌ها اغلب مذهبی است و می‌توان گفت حماسه اعتراض و انتقاد در شعر غالب است. نتیجه جریان حماسه در شعر معاصر را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

ردیف	فاصله زمانی	نام دوره	شاعران برجسته	نوع حماسه
۱	۱۳۰۴-۱۳۲۰	پهلوی دوم	نیما و شاملو	امید
۲	۱۳۲۰-۱۳۳۲	کودتای ۲۸ مرداد	اخوان و مصدق	ناامیدی
۳	۱۳۳۲-۱۳۴۲	قیام ۱۵ خرداد	گرمارودی و اوستا	ستیز
۴	۱۳۴۲-۱۳۵۷	چریک و سیاه‌کل	شفیعی، کوش آبادی	مبارزه مسلحانه
۵	۱۳۶۸-۱۳۵۷	انقلاب و جنگ	صفارزاده	دفاع مقدس
		پس از جنگ	قزوه	اعتراض و انتقاد

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ سخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۰)، زمستان، تهران: مروارید.
- ۲ مسفندیاری، علی (نیما یوشیج)، (۱۳۷۵)، مجموعه کامل اشعار نیما (فارسی و طبری)، گردآوری سیروس طاهباز، تهران: نگاه، چاپ چهارم.
- ۳ بوستا، مهرداد (۱۳۷۰)، راما؛ مجموعه سروده‌های مهرداد بوستا، تهران: نشر فرهنگی رجاء.
- ۴ حسن‌زاده، میرعلی عبدالله و سیده هاجر حسینی کلبادی، (۱۳۹۱)، «سطوره در شعر حمید مصدق»، فصلنامه ادبیات پارسی معاصر، بهار و تابستان، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۹-۶۴.
- ۵ حسین پور چافی، علی، (۱۳۸۴)، جریان‌های شعر معاصر فارسی، تهران: امیر کبیر.
- ۶ حقوقی، محمد، (۱۳۷۷)، شعر نو از آغاز تا امروز، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- ۷ درستی، احمد، (۱۳۸۱)، شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۸ رزمجو، حسین، (۱۳۸۱)، قلمرو ادبیات حماسی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۹ رسول‌نیا، امیرحسین، مریم آقاجانی، (۱۳۹۱)، «پایداری و ناپذیرایی در شعر محمود درویش و موسوی گرمارودی»، فصلنامه ادب عربی، دوره ۴، شماره ۳، پاییز و زمستان، صص ۹۵-۱۱۶.
- ۱۰ خزاع، غلامعلی و رضوی، سید ربیع، (۱۳۹۰ و ۱۳۹۱)، «کارکرد حماسه در دوران معاصر»، فصلنامه ادبیات پایداری، سال سوم، پاییز ۱۳۹۰ و بهار ۱۳۹۱، شماره ۵ و ۶، صص ۱۶۳-۲۰۸.
- ۱۱ شاملو، احمد، (۱۳۸۰)، مجموعه آثار، دفتر یکم: شعرها، تهران: نگاه.
- ۱۲ شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۶)، آینه‌ای برای صداها، تهران: علمی.
- ۱۳ صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۴)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: فردوس، چاپ دوم.
- ۱۴ صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۶)، طنین در دلتا، تهران: انتشارات بیداری، چاپ پنجم.
- ۱۵ قزوه، علیرضا، (۱۳۹۰)، انگشتری سوّم خاتم، تهران: دهلی نو، چاپ دوم.
- ۱۶ کافی، غلامرضا، (۱۳۸۶)، شرح منظومه ظهر، تهران: نشر مجتمع فرهنگی عاشورا، چاپ اول.
- ۱۷ کوش‌آبادی، جعفر، (۱۳۸۴)، در آینه، تهران: نگاه چاپ اول.

- ۱۸ لنگرودی، شمس، (۱۳۸۴)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، دوره ۴ جلدی، تهران: مرکز، چاپ چهارم.
- ۱۹ مختاری، محمد، (۱۳۷۸)، *انسان در شعر معاصر*، تهران: انتشارات توس، چاپ دوم.
- ۲۰ _____، (۱۳۶۸)، *حماسه در رمز و راز ملی*، تهران: قطره.
- ۲۱ مدرّسی، فاطمه و زهرا خجسته مقال، (۱۳۹۲)، «*جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده*»، فصلنامه ادبیات پایداری، پاییز و زمستان، شماره ۹، صص ۳۸۲-۳۶۳.
- ۲۲ ملا حاجی آقایی، محمد حسن، (۱۳۸۳)، «*حماسه در شعر نو، از نیما تا انقلاب اسلامی*»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، زمستان، شماره ۷۲، صص ۱۱-۱۷.
- ۲۳ مصدّق، حمید، (۱۳۵۶)، *درفش کاویان*، تهران: توکا، چاپ اول.
- ۲۴ موسوی گرمارودی، علی، (۱۳۸۹)، *پیوند زیتون بر شاخه ترنج*، تهران: سوره مهر، چاپ اول.
- ۲۵ خورشیدی، حمید، (۱۳۸۹)، «*مروری کوتاه بر آثار مهرداد اوستا: با کاروان رفته*»، مجله زمانه، دوره جدید، بهمن، شماره ۹۶، ص ۶۸.
- ۲۶ یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۸)، *جویبار لحظه‌ها: جریان‌های ادبیات معاصر فارسی نظم و نثر*، تهران: جامی، چاپ یازدهم.